

تبیین طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک های حل تعارض زنان شاغل در شهر تهران

مریم عامری^۱، حسن شفیعی*^۲

چکیده

مقدمه: در سال‌های اخیر مسئله طلاق عاطفی به عنوان یکی از مشکلات اساسی در روابط زناشویی شناخته شده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض زنان شاغل در شهر تهران انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دربرگیرنده کلیه زنان شاغل شهر تهران در سال ۱۳۹۶ بود. ۳۷۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای برای این پژوهش انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)، پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸) و پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) بود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد بین الگوی ارتباطی اجتنابی، الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری، سبک حل تعارض مسلط و سبک حل تعارض اجتناب‌کننده با طلاق عاطفی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما، الگوی ارتباطی سازنده، سبک‌های حل تعارض یکپارچگی، ملزم شده و مصالحه ارتباط منفی معناداری با طلاق عاطفی داشتند. نتایج رگرسیون گام-به‌گام نشان داد به ترتیب الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری، الگوی ارتباطی اجتنابی، سبک حل تعارض مصالحه و سبک حل تعارض مسلط ۲۶ درصد واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند. **بحث و نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد آموزش الگوهای ارتباطی سازنده و سبک‌های حل تعارض مثبت در مشاوره پیش از پیوند زناشویی و نیز در آموزش و درمان خانواده می‌تواند به پیشگیری از طلاق عاطفی در زوجین کمک نماید.

واژگان کلیدی: الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض، طلاق عاطفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰ **تاریخ پذیرش نهایی:** ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

استناد: عامری م، شفیعی ح. تبیین طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض زنان شاغل در شهر تهران، فصلنامه خانواده و بهداشت، دوره هشتم، شماره چهارم زمستان ۱۳۹۷ ص ۴۰-۵۸

^۱ - کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد محلات، محلات، ایران.

^۲ - نویسنده مسئول، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، shahab.baheshmat@gmail.com

به دلیل ساختار فرهنگی جامعه، تأکید اسلام بر قبح طلاق و پیامدهای طلاق رسمی به خصوص با وجود فرزندان در خانواده، زوجین حاضر به جدایی نمی‌باشند و چه بسا برای سال‌های زیادی به زندگی سرد و توأم با فرسایش روحی، روانی و جسمی ادامه می‌دهند. در همین راستا، رسیدن به مرحله طلاق عاطفی می‌تواند علل مختلفی از جمله: اشتغال بیش از حد زنان و یا مشکلات اقتصادی و مالی داشته باشد. مطالعات نشان داده است که وضعیت شغلی نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد به طوری که تنش شغلی با نارضایتی از روابط زناشویی مرتبط است (۱). مروری بر متون علمی نشان می‌دهد که نرخ به کارگیری و استخدام زنان در محیط‌های کاری در خلال دوره ده ساله ۱۹۹۵-۲۰۰۵ برابر با ۴/۸ درصد افزایش یافته است در حالی که این نرخ برای مردان در مدت مشابه ۱/۱ درصد گزارش شده است (۲). انجام وظایف زنان در خانواده در کنار فعالیت خارج از خانه، زنان شاغل را در معرض تعارض جدی قرار داده و آن‌ها را مستعد ایجاد تنش و آسیب جسمی و روحی می‌نماید (۳).

تعداد زنان شاغل در جمعیت روندی رو به رشد داشته و لزوم انجام پژوهش در مورد اثرات شغل بر روابط زناشویی آن‌ها را روشن می‌سازد. نتایج مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که زنان در حد مردان با عوامل زیان آور محیط کار در تماس بوده و نیازمند توجه و مراقبت بیش‌تری هستند (۴). بنابراین، بررسی وضعیت زناشویی زنان شاغل به چند دلیل اهمیت دارد. از یک‌سو، مربوط به اهمیتی است که نهاد خانواده در جوامع امروزی دارد و از دیگر سو، در ارتباط با کیفیت زندگی و تأثیری است که رضایت زناشویی می‌تواند بر سایر جنبه‌های زندگی مثل رضایت شغلی داشته باشد.

از دیدگاه روان‌شناسان، شالوده یک جامعه ایده‌آل از خانواده سالم پی‌ریزی می‌شود. نهاد خانواده سیستم پویا و فعالی است که عناصر موجود در آن روی هم تاثیر متقابل دارند که گاهی اسن تعادل به هم می‌خورد. این تعادل عاملی مهم در تعارضات و اختلافات خانوادگی و زناشویی است (۵). در همین راستا، طلاق یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیش‌تری دارد (۶). علاوه بر این، طلاق همسران بر کیفیت زندگی و عملکرد فرزندان نیز تاثیر منفی می‌گذارد (۷). یکی از جلوه‌های طلاق، طلاق عاطفی^۱ است که به عنوان مشکل جدی در ایران شناخته می‌شود و از میزان شیوع آن آمار دقیقی در دست نیست (۸).

طلاق عاطفی پدیده‌ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از همسران است که اگرچه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی‌شوند، اما بدون هیچ احساس و عاطفه‌ای نسبت به هم و فقط به صورت هم‌خانه به زندگی خود ادامه می‌دهند (۹). در این موارد، علل متفاوتی از جمله محدودیت‌های فرهنگی، قومی و اجتماعی مانند چشم و هم‌چشمی‌ها و ترس از حرف مردم، ترس از تنها ماندن، مشکلات اقتصادی و نگرانی از بزرگ کردن فرزندان و غیره، مانع از رسیدن به مرحله طلاق رسمی می‌شود (۱۰). در این حالت پس از مدتی زوجین از نظر عاطفی وارد موقعیت بی‌تفاوتی می‌شوند که آخرین مرحله روابط احساسی بین زن و مرد است. رسیدن به مرحله طلاق عاطفی یا طلاق هیجانی نیز آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری را برای خانواده به همراه دارد و متأسفانه در همین زمان است که بیش‌تر انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی و روانی پیش می‌آید (۱۱). در واقع، برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های تو خالی^۲ تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند. خانواده تو خالی، خانواده‌ای است که اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند و بی‌اثر از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند (۱۰). بنابراین، زوج‌ها در جوامع امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. بدیهی است کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر اثرات نامطلوبی را بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد (۱۲).

یکی از عوامل موثر در زمینه تنش و تعارضات زناشویی، الگوهای ارتباطی زوجین در رابطه با یکدیگر است. توجه به الگوهای ارتباطی زوجین، یعنی کانال‌های ارتباطی که از طریق آن زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به‌وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوهای ارتباطی گفته می‌شود (۱۳). مشکلات ارتباطی یکی از مهم‌ترین عوامل

۱. Emotional Divorce

۲. Empty shell marriage

بروز ناسازگاری و نارضایتی در زندگی زناشویی به شمار می‌رود، به طوری که شایع‌ترین مشکلی که توسط زوج‌های ناراضی مطرح می‌گردد، ناتوانی در برقراری ارتباط است (۱۴). شواهد غیرقابل انکاری وجود دارد که الگوهای ارتباطی سازنده با سطوح بالای رضایت از رابطه و الگوهای ارتباطی منفی مانند اجتناب و توقع/کناره‌گیری با سطوح پایین رضایت از رابطه زناشویی مرتبط هستند (۱۵). زوج‌هایی که الگوی ارتباطی آن‌ها عمدتاً از نوع توقع/کناره‌گیری است، در طی زمان، رضایت خود را از دست داده و به سمت طلاق کشیده می‌شوند (۱۶).

علاوه بر الگوهای ارتباطی، یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند نقش مهمی در تعارضات زناشویی و به موازات آن طلاق عاطفی داشته باشد، سبک‌های حل تعارض است. روابط صمیمانه لزوماً یک رابطه بدون تعارض نیست و وقوع تعارض در زناشویی حتی در ازدواج‌های موفق امری عادی تلقی می‌شود؛ زیرا رسیدن به صمیمت اغلب از طریق حل موفقیت‌آمیز تعارض در زناشویی به گونه‌ای است که رضایت طرفین را در بر داشته باشد، لذا نه خود تعارض بلکه نحوه کنار آمدن با تعارض است که می‌تواند مخرب یا سازنده باشد (۱۷). زمانی که تعارض روی می‌دهد روابط تحت تاثیر قرار می‌گیرند؛ در نتیجه تعارض نقطه بحرانی در روابط زناشویی است. سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد درگیر چندان وابسته نیست بلکه به چگونگی توزیع و نحوه حل تعارض بستگی دارد (۱۸). بنابراین، سبک‌های حل تعارض یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه موفق می‌باشند و افرادی که دارای مهارت‌های قوی حل تعارض هستند طول رابطه خود را افزایش می‌دهند (۱۹). تعارض در زندگی مشترک بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر منفی می‌گذارد، بنابراین سبک‌های حل تعارض نقشی مهم در روابط زناشویی خواهد داشت (۲۰). توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها می‌تواند یک ارتباط قوی تر را در رابطه زوج شکل دهد و زوجها را برای ایجاد یک رابطه صمیمی و نزدیک کمک کند (۲۱). با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض نقش مهمی در روابط زناشویی به خصوص بروز طلاق عاطفی در زوجین داشته باشند. از آنجا که اشتغال زنان مشکلات ارتباطی و تعارضاتی را برای زنان شاغل به وجود می‌آورد، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی طلاق عاطفی در زنان شاغل بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض قابل تبیین است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان شاغل شهر تهران در سال ۱۳۹۶ است که بیش از ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. در بحث نمونه پژوهش، دو عامل حجم نمونه و روش نمونه‌گیری بسیار تعیین‌کننده است. برای تعیین حجم نمونه پژوهش، از فرمول کوکران استفاده شد. با استفاده از این فرمول و در سطح خطای پنج درصد، حجم نمونه پژوهش ۳۸۲ نفر برآورد شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = 382$$

برای انتخاب اعضای گروه نمونه پژوهش، با توجه به بزرگ بودن و همچنین همگنی جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین منظور، ابتدا شهر تهران به چهار ناحیه جغرافیایی تقسیم شد و از هر ناحیه ۱ منطقه انتخاب شد. برای رسیدن به حجم نمونه مورد نیاز، از هر منطقه جغرافیایی ۱۹۱ نمونه لازم بود. بدین منظور، از شمال شهر تهران منطقه ۳، از شرق شهر تهران منطقه ۸، از جنوب شهر تهران منطقه ۱۷ و از غرب شهر تهران منطقه ۲۱ انتخاب شد. در گام بعد لیستی از ادارات و سازمان‌های دولتی هر منطقه تهیه شد. با توجه به عدم همکاری اداره آموزش و پرورش، این نهاد از لیست مراکز دولتی حذف شد. از آنجا که تعداد کارکنان هر اداره یکسان نبود، ادارات انتخاب شده در هر منطقه جغرافیایی برابر نبود. از لیست موجود برای هر منطقه، فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به ۱۹۱ زن متأهل شاغل ادامه پیدا کرد. بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۳۷۷ پرسشنامه‌ای که به درستی تکمیل شده بودند مورد بررسی قرار گرفت و نمونه نهایی پایان نامه ۳۷۷ نفر در نظر گرفته شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم: برای سنجش سبک‌های حل تعارض زنان شاغل شهر تهران از پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II استفاده شد. پرسشنامه سبک‌های حل تعارض ROCI-II مکانیزمی برای اندازه‌گیری پنج گویه‌ای است که افراد به تعارض پاسخ می‌دهند. پنج سبک حل تعارض شناسایی شده ریشه در کارهای لک و موتون (۱۹۶۴) دارد. رحیم و بوناما (۱۹۷۹) به صورت گسترده‌ای از این پرسشنامه استفاده کردند و این ابزار را در همه حوزه‌های پژوهش در حوزه علوم اجتماعی معتبر دانسته‌اند. پرسشنامه ROCI-II دارای سه نسخه A، B و C است که نسخه A دارای ۳۵ ماده و نسخه دوم و سوم دارای ۲۸ ماده و پنج خرده مقیاس می‌باشد که هر خرده مقیاس یک سبک حل تعارض بین فردی را نشان می‌دهد. پنج سبک حل تعارض شامل سبک یکپارچگی (دارای ۷ عبارت)، سبک مسلط (دارای ۵ عبارت)، سبک ملزم شده (دارای ۶ عبارت)، سبک اجتناب کننده (دارای ۶ عبارت)، سبک مصالحه (دارای ۴ عبارت) می‌باشد. در این پژوهش، از نسخه B با ۲۸ ماده استفاده شد. این ابزار برای بررسی تعارض در سازمان‌های مالی طراحی شد، مطالعات نشان داد که این ابزار را می‌توان در سایر زمینه‌های حل تعارض بین فردی مثل خانواده، دوستان و هم‌شیرها به کار گرفت. ماده‌های این مقیاس به شکل لیگرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. مقیاس لیگرت در برگزیده عبارات کاملاً مخالفم (نمره ۱)، مخالفم (نمره ۲)، نظری ندارم (نمره ۳)، موافقم (نمره ۴) و کاملاً مخالفم (نمره ۵) است. هر یک از ماده‌ها می‌تواند نمره‌ای از ۱ تا ۵ را کسب کند و سپس با توجه به تعداد ماده‌های هر زیر مقیاس، نمره کلی آن زیر مقیاس به دست می‌آید. حداقل و حداکثر نمره هر زیر مقیاس نیز با توجه به تعداد ماده‌های آن از ۱ تا ۵ خواهد بود. بر این اساس، زیر مقیاس یکپارچگی با داشتن ۷ ماده، نمره‌ای با حداقل ۷ و حداکثر ۳۵ خواهد داشت. نمره نهایی این زیر مقیاس (نمره ۳۵) بر تعداد سوالات آن تقسیم می‌شود و نمره به دست آمده برابر با ۵ خواهد بود. نمره هر زیر مقیاسی که بیش تر باشد نشان دهنده این است فرد از آن سبک برای حل تعارض خود استفاده می‌کند (۲۲). حقیقی، زارعی و قادری (۲۲) به منظور بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان سنجی این پرسشنامه، پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ محاسبه کردند.

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: در این پژوهش برای اندازه‌گیری طلاق عاطفی، از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸) استفاده شد. گاتمن این پرسشنامه را در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه ای بلی (یک امتیاز) و خیر (صفر امتیاز) تنظیم کرده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد، به این معنا است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در او مشهود است. پایایی کل مقیاس در این پژوهش، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تایید شد. برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بیقراری. مقادیر اشتراک و بار عاملی سوالات پرسشنامه نشان داد که بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و در نتیجه بار عاملی مقبولی دارند (۲۳).

پرسشنامه الگوهای ارتباطی: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالوی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و در ایران در سال ۱۳۷۹ توسط عبادت پور (۱۳۷۹) ترجمه و هنجاریابی گردید. پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال است که دارای طیف لیگرت ۹ درجه‌ای می‌باشد. این ابزار رفتار زوجها را در طی سه مرحله تعارض زناشویی برآورد می‌کند. این مراحل عبارت‌اند از: ۱) هنگامی که مشکل در روابط زوجین به وجود می‌آید؛ ۲) مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود؛ ۳) بعد از بحث درباره مشکل ارتباطی زوجها. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع/کناره‌گیری. هیوی، کریستنسن و مالموت (۱۹۹۵) میزان ثبات درونی برای خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل را به دست آوردند؛ آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این خرده مقیاس ۰/۸۴ و ۰/۸۱ محاسبه شد. نولر و وایت (۲۴) به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، آزمودنی‌های خود را در سه گروه از زوج‌هایی با رضایت زناشویی بالا، متوسط و پایین تقسیم کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ۲۷ سؤال از ۳۵ سؤال می‌تواند به نحو معنی‌داری بین زوج‌های با رضایت زناشویی بالا و پایین تفکیک قائل شود. در ایران سیاوشی و نوابی نژاد (۲۵) در پژوهش خود پایایی مقیاس‌های پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای الگوی ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، توقع زن/کناره‌گیری مرد، توقع مرد/کناره‌گیری زن به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۶۲، ۰/۵۹، ۰/۷۲ به دست آوردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی جهت گزارش شاخص مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش و فراوانی و درصد فراوانی

متغیرهای جمعیت‌شناختی به کار گرفته شد. برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، روش‌های آمار استنباطی همچون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و آزمون تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌های پژوهش:

بر اساس یافته‌های جمعیت‌شناختی، اکثر افراد مورد مطالعه معادل ۵۱/۷ درصد در دامنه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار داشتند. کم‌ترین فراوانی دامنه سنی مربوط به ۵۱ سال و بیشتر با ۹/۳ درصد بود. تحصیلات اکثر افراد مورد مطالعه معادل ۶۷/۱ درصد کارشناسی و به لحاظ مدت زمان ازدواج، ۶۷/۱ درصد از شرکت‌کنندگان بین ۶ تا ۱۵ سال سابقه زندگی زناشویی داشتند. از نظر تحصیلات، ۵۷ درصد بین ۶ تا ۱۵ سال، ۲۱ درصد افراد بین ۱۶ تا ۲۵ سال، ۲۰/۲ درصد کمتر از ۵ سال و ۱/۹ درصد دیگر بیشتر از ۲۶ سال سابقه کار داشتند. میزان همبستگی بین الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض (متغیرهای پیش‌بین) با طلاق عاطفی (متغیر ملاک) زنان شاغل با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام آزمون می‌شود. قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد. بر این اساس، ابتدا از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر، با توجه به اینکه سطح معناداری متغیرهای الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که داده‌ها توزیعشان نرمال است. علاوه بر نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، یکی دیگر از پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون، خطی بودن رابطه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک است. برای این منظور از آزمون F خطی بودن استفاده شد که بر اساس اطلاعات به دست آمده، از آنجا که مقدار احتمال معناداری خطی بودن متغیرهای پیش‌بین، پایین از مقدار آلفای تعیین شده ($\alpha = 0/05$) است، می‌توان ادعا کرد رابطه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک خطی است. پیش‌فرض دیگر تحلیل رگرسیون عدم همبستگی زیاد بین متغیرهای پیش‌بین است (چندگانگی خطی) که به منظور بررسی آن از دو آماره روا داری یا تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد پدیده چندگانگی خطی بین متغیرهای الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض به عنوان متغیرهای پیش‌بین پژوهش حاضر وجود ندارد، زیرا چنانچه مقدار تحمل برای یک متغیر خاص ۰/۰۱ یا کمتر باشد و عامل تورم واریانس بزرگ‌تر از عدد ۱۰ باشد شرط عدم هم‌خطی چندگانه رعایت نشده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی ارتباط بین الگوهای ارتباطی و طلاق عاطفی

Table 1: Correlation matrix for relationship between communication patterns and emotional divorce

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱ الگوی سازنده	۱			
۲ الگوی اجتنابی	-۰/۰۹۵	۱		
۳ الگوی توقع / کناره‌گیری	-۰/۱۲۴*	۰/۰۵۱	۱	
۴ طلاق عاطفی	-۰/۲۱۴**	۰/۲۶۴**	۰/۳۱۸**	۱

$$P < 0/05^* \quad P < 0/01^{**}$$

نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱ نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/01$)، داده‌ها قویاً فرض صفر (H_0) را رد و فرضیه پژوهش (H_1) را مورد تأیید قرار می‌دهند. از آنجا که ($P = 0/001 < \alpha = 0/01$)، بنابراین می‌توان ادعا نمود با اطمینان ۹۹ درصد بین الگوی سازنده با طلاق عاطفی زنان شاغل رابطه منفی معناداری وجود دارد ($r = -0/214$; $P = 0/001$). همچنین، الگوی اجتنابی ($r = 0/264$; $P = 0/001$) و الگوی توقع / کناره‌گیری ($r = 0/318$; $P = 0/001$) رابطه مثبت و معناداری با طلاق عاطفی زنان شاغل دارند. به منظور بررسی رابطه سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی زنان شاغل شهر تهران، با توجه به برآورده شدن پیش‌فرض‌های آزمون پارامتری، از آزمون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی

Table 2: Correlation matrix for conflict resolution styles and emotional divorce

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
یکپارچگی	۱					
مسلط	-۰/۱۴۵**	۱				
ملزم شده	۰/۲۶۵**	-۰/۲۰۶**	۱			
اجتناب کننده	-۰/۱۷۲**	-۰/۰۵۱	۰/۰۹۳	۱		
مصالحه	۰/۲۰۵**	-۰/۱۹۹**	۰/۳۶۹**	۰/۰۴۳	۱	
طلاق عاطفی	-۰/۱۵۱**	۰/۲۴۲**	-۰/۱۵۹**	۰/۲۹۴**	-۰/۲۵۹**	۱

$P < ۰/۰۵$ * $P < ۰/۰۱$ **

نتایج ماتریس همبستگی ارتباط سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی در جدول ۲ نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = ۰/۰۱$)، داده‌ها قویاً فرض صفر (H_0) را رد و فرضیه پژوهش (H_1) را مورد تأیید قرار می‌دهند، چرا که سطح معناداری از سطح آلفای تعیین شده ($\alpha = ۰/۰۱$) کوچک‌تر است ($P = ۰/۰۰۱$). نتایج نشان می‌دهد بین سبک‌های حل تعارض یکپارچگی ($P = ۰/۰۰۱$ ؛ $r = -۰/۱۵۱$)، ملزم شده ($P = ۰/۰۰۱$ ؛ $r = -۰/۱۵۹$) و مصالحه ($P = ۰/۰۰۱$ ؛ $r = -۰/۲۵۹$) با طلاق عاطفی ارتباط آماری منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، سبک‌های حل تعارض مسلط ($P = ۰/۰۰۱$ ؛ $r = ۰/۲۴۲$) و اجتناب کننده ($P = ۰/۰۰۱$ ؛ $r = ۰/۲۹۴$) نیز رابطه مثبت و معناداری با طلاق عاطفی دارند. برای بررسی روابط چندگانه بین الگوهای ارتباطی، سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی در زنان شاغل شهر تهران، با توجه به برآورده شدن پیش‌فرض‌های آزمون پارامتری، از آزمون تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است (جدول ۳). در تحلیل رگرسیون گام به گام معمولاً گام آخر مبنای تحلیل قرار می‌گیرد. در گام پنجم، آخرین متغیری که وارد تحلیل شد متغیر پیش‌بین الگوی سازنده بود. ضریب همبستگی محاسبه شده در این گام $R = ۰/۵۲۷$ و ضریب تعیین $۰/۲۷۸$ به دست آمد. میزان F به دست آمده نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت حدود ۰/۲۸ از تغییرات متغیر ملاک طلاق عاطفی زنان شاغل به وسیله پنج متغیر پیش‌بین الگوی توقع / کناره‌گیری ($\beta = ۰/۲۳۹$)، الگوی اجتنابی ($\beta = ۰/۲۹۸$)، سبک مصالحه ($\beta = -۰/۲۰۶$)، سبک مسلط ($\beta = ۰/۱۳۹$) و الگوی سازنده ($\beta = -۰/۱۲۷$) تبیین می‌شود.

جدول ۳. رگرسیون گام‌به‌گام متغیرهای پژوهش در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان شاغل

Table 3. Stepwise regression for research variables in predicting the emotional divorce of employed women

گام	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	F	Sig.
۱	(ثابت)	۲/۹۰۱	-	۰/۳۱۸	۰/۱۰۱	۴۲/۱۵	۰/۰۰۱
	الگوی توقع/کناره‌گیری	۰/۳۵۵	۰/۳۱۸				
۲	(ثابت)	۰/۳۵۳	-	۰/۴۲۶	۰/۱۸۱	۴۱/۳۵	۰/۰۰۱
	الگوی توقع/کناره‌گیری	۰/۳۴۳	۰/۳۰۸				
۳	(ثابت)	۲/۸۲۹	-	۰/۴۹۱	۰/۲۴۱	۳۹/۳۹	۰/۰۰۱
	الگوی توقع/کناره‌گیری	۰/۳۱۷	۰/۲۸۴				
	الگوی اجتنابی	۰/۱۹۷	۰/۲۹۵				

						مصالحه
						(ثابت)
						الگوی توقع/کناره‌گیری
۰/۰۰۱	۳۳/۰۵	۰/۲۶۲	۰/۵۱۲	۰/۳۰۳	۰/۲۰۲	الگوی اجتنابی
						سبک مصالحه
						سبک مسلط
						(ثابت)
						الگوی توقع/کناره‌گیری
۰/۰۰۱	۲۸/۵۳	۰/۲۷۸	۰/۵۲۷	۰/۲۹۸	۰/۱۹۹	الگوی اجتنابی
						سبک مصالحه
						سبک مسلط
						الگوی سازنده

در تحلیل رگرسیون گام به گام معمولاً گام آخر مبنای تحلیل قرار می‌گیرد. در گام پنجم، آخرین متغیری که وارد تحلیل شد متغیر پیش‌بین الگوی سازنده بود. ضریب همبستگی محاسبه شده در این گام $R=0/527$ و ضریب تعیین $0/278$ به دست آمد. میزان F به دست آمده نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. با توجه به ضریب تعیین می‌توان گفت حدود $0/28$ از تغییرات متغیر ملاک طلاق عاطفی زنان شاغل به وسیله پنج متغیر پیش‌بین الگوی توقع / کناره‌گیری ($\beta = 0/239$)، الگوی اجتنابی ($\beta = 0/298$)، سبک مصالحه ($\beta = -0/206$)، سبک مسلط ($\beta = 0/139$) و الگوی سازنده ($\beta = -0/127$) تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری:

این پژوهش با هدف تبیین طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض زنان شاغل در شهر تهران انجام شده است. آزمون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون نشان داد الگوی ارتباطی سازنده با طلاق عاطفی ارتباط منفی معناداری ($P < 0/001$) دارد. همچنین، بین الگوهای ارتباطی توقع / کناره‌گیری و الگوی ارتباطی اجتنابی با طلاق عاطفی نیز ارتباط مثبت و معناداری ($P < 0/001$) مشاهده شد.

در تفسیر این یافته می‌توان گفت ارتباط بین الگوی ارتباطی سازنده با طلاق عاطفی ارتباط معکوسی وجود دارد به طوری که هرچه میزان استفاده از الگوی ارتباطی سازنده در زنان شاغل افزایش یابد، میزان طلاق عاطفی نیز کاهش می‌یابد و برعکس، با کاهش الگوی ارتباطی سازنده میزان طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. الگوهای ارتباطی غیرسازنده همچون الگوهای توقع / کناره‌گیری و الگوی اجتنابی ارتباط مستقیمی با طلاق عاطفی در زنان شاغل دارند؛ به عبارت دیگر، هر چه میزان استفاده از این الگوها در روابط زناشویی افزایش یابد، میزان طلاق عاطفی نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد.

این یافته با نتایج برخی مطالعات انجام شده در داخل کشور همچون مطالعه اعتمادی و همکاران (۱۷)، ثناگویی، جان بزرگی و مهدویان (۲۶) و فاتحی زاده و احمدی (۱۳) همسو است. نتایج مطالعات کارول و همکاران (۲۷) و یو، بارتل هارنینگ، دای و گانگاما (۲۸) که همگی در خارج از کشور بر اهمیت الگوهای ارتباطی در روابط زناشویی تأکید داشتند، با یافته‌های پژوهش حاضر همسو بوده و مؤید جهان شمول بودن تأثیر الگوهای ارتباطی در روابط زناشویی است. مدل‌ها و نظریه‌های گوناگونی، الگوهای ارتباطی زوجین را تبیین می‌کنند که در پژوهش حاضر نتایج به دست آمده بر اساس مدل کریستن و سالووی (۲۹) قابل تبیین است. این نظریه‌پردازان بر این باورند زوجینی که از الگوی ارتباطی سازنده استفاده می‌کنند سعی دارند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفت‌وگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند و برای رفع مشکل ارتباطی خویش، راه‌حل پیشنهاد می‌دهند. در نتیجه، هر دو احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند (۱۷). اتخاذ این راهبردها کاملاً مغایر با شرایطی است که زوجین

را به سمت طلاق عاطفی می‌کشاند زیرا یکی از دلایل بروز طلاق عاطفی، عدم درک یکدیگر و و خودداری از ابراز احساسات نسبت به یکدیگر است. بنابراین، ارتباط منفی الگوی ارتباطی سازنده با طلاق عاطفی در پژوهش حاضر، تأیید کننده مدل نظری یاد شده است. بر اساس آنچه گفته شد، الگوهای ارتباطی سازنده در زنان شاغل اهمیت زیادی خواهد داشت چراکه بیش از سایر زنان جامعه نیازمند درک احساساتشان از سوی همسر بوده و چنانچه گفت‌وگوهای سازنده را جهت حل مشکلات افزایش دهند، بهتر خواهند توانست از وظایف محیط کاری و خانوادگی برآیند.

از سوی دیگر، کریستن و سالووی (۲۹) بر این باورند در زوجینی که الگوی ارتباطی اجتنابی دارند، تعارض شدید بوده و از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری می‌کنند. زندگی آن‌ها به شکل موازی با یکدیگر بوده و ارتباط شان در کمترین حد ممکن است یا اصلاً وجود ندارد. در این الگو زوجین روش خاصی را برای حل تعارض‌های خود ندارند و معتقدند باگذشت زمان تعارضاتشان حل می‌شود و نیازی به بحث خاص نیست. این زوجین نارضایتی بیشتری را تجربه می‌کنند و در معرض خطر بیشتری قرار دارند چراکه احتمالاً در موقعیت‌های تعارض برانگیز قادر به حل‌وفصل مسائل و مشکلات خود نیستند (۳۰). در نتیجه، تعارض شدید و عدم برخورداری از راهبرد مؤثر برای حل آن، خودداری از برقراری ارتباط و نارضایتی شدید به عنوان پلی است که زوجین را به سوی طلاق عاطفی رهنمون می‌کند. شرایط حاکم بر الگوی ارتباطی اجتنابی شباهت زیادی با طلاق عاطفی دارد زیرا طلاق عاطفی، زن انزوای طلبی اختیار می‌کند و خود را شریک زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگ به زندگی ادامه می‌دهد. بسیاری از زوجها با هم زندگی می‌کنند ولی از وجود و درون هم خبری ندارند. این قطع روابط عاطفی عوامل پنهان و ناگفته‌های بسیار دارد که با توجه به نتایج پژوهش حاضر، الگوی ارتباطی ناسازگانه همچون الگوی اجتنابی و توقع / کناره‌گیری یکی از عوامل مؤثر بر آن است. یافته‌های پژوهشی موجود در ادبیات پژوهشی نیز مبین آن است زوج‌هایی که الگوی ارتباطی آن‌ها عمدتاً از نوع توقع / کناره‌گیری است، در طی زمان، رضایت خود را ازدست‌داده و به سمت طلاق کشیده می‌شوند (۱۶). تشدید این الگو منجر به مشکلات دائم زناشویی می‌شود و آن‌ها را در معرض طلاق عاطفی قرار می‌دهد.

علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد بین سبک‌های حل تعارض یکپارچگی، ملزم شده و مصالحه با طلاق عاطفی ارتباط آماری منفی و معناداری ($P < 0/001$) وجود دارد. همچنین، سبک‌های حل تعارض مسلط و اجتناب کننده نیز رابطه مثبت و معناداری ($P < 0/001$) با طلاق عاطفی دارند. این یافته مبین آن است زنان شاغلی که از سبک‌های یکپارچگی، ملزم شده و مصالحه برای حل تعارضات استفاده می‌کنند و این سبک‌ها به عنوان الگوی غالب رفتاری آنان در مواجهه با تعارض است، میزان طلاق عاطفی کم بوده و در افرادی که سبک‌های مسلط و اجتناب کننده را به عنوان سبک غالب برای حل تعارضاتشان بر می‌گزینند، میزان طلاق عاطفی بالا است؛ زیرا نتایج آزمون همبستگی بیانگر ارتباط معکوس سبک‌های یکپارچگی، ملزم شده و مصالحه حل تعارض با طلاق عاطفی است و از سویی دیگر، بین مستقیمی سبک‌های مسلط و اجتناب کننده حل تعارض با طلاق عاطفی وجود دارد.

در ادبیات پژوهشی داخل کشور نیز نتایج مطالعات انجام شده توسط حسینی و همکاران (۳۱)، اعتمادی و همکاران (۱۷)، بیرامی و همکاران (۳۲) و خجسته مهر، کوچکی و رجبی (۳۳) با یافته‌های پژوهش حاضر همسو و همخوان بود؛ زیرا کلیه این مطالعات مبین آن بود سبک‌های حل تعارض سازنده بر روابط زناشویی تأثیر مثبت داشته و بر عکس، سبک‌های حل تعارض غیرسازنده تأثیر مخربی بر روابط زناشویی دارد. برای تبیین نتایج به دست آمده از مدل رحیم (۳۴) استفاده شد. بر اساس این مدل، شخص استفاده کننده از سبک آمرانه سعی دارد با رفتار آمرانه و با استفاده از اعمال قدرت به خواسته‌هایش برسد، بدون اینکه برای دیگران اهمیتی قائل شود و در نتیجه باعث وخیم تر شدن تعارض می‌شود، زیرا در یک رابطه ی زناشویی زوجین انتظار دارند که در بده و بستان های خود در زمینه عشق، محبت، روابط جنسی، پول و زمان با هم بودن احساس تعادل کنند، بنابراین زمانی که آنها احساس کنند که داده‌ها بیشتر از بستانده‌هاست، احساس نابرابری می‌کنند و این احساس باعث می‌شود که روابط زناشویی آشفته گردد (۳۵) و به سمت طلاق عاطفی کشیده شود.

در سبک یکپارچگی، بین دو طرف تشریک مساعی وجود دارد و از آنجایی که برای مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت‌ها و یافتن راه حل قابل قبول برای هر دو طرف تلاش می‌شود، تعارض به صورت سازنده رفع می‌شود. در نتیجه، با رفع سازنده تعارضات زناشویی، طلاق عاطفی نیز جایگاهی در روابط زوجین نخواهد داشت. از سویی دیگر، افراد دارای سبک ملزم شده (متعهد) به نظر می‌رسد به خاطر اهمیت دادن بیش از حد به نگرانی‌ها طرف مقابل، کمتر دچار تعارضات زناشویی و یا طلاق عاطفی شوند. این افراد تلاش زیادی برای کاستن تفاوت‌ها و تأکید کردن بر اشتراکات به منظور راضی کردن دیگران دارند و در نتیجه، این سبک به عنوان سبک

مهربانانه نیز یاد می‌شود (۱۷). با توجه به آنچه گفته شد، چنانچه افراد هر چه بیشتر از سبک‌های حل تعارض سازنده استفاده کنند، کمتر دچار تعارضات زناشویی و به دنبال آن طلاق عاطفی می‌شود.

حل تعارض به نیازها و نگرانی‌های همسر اهمیت داده شود و در حیطه‌های مختلف زندگی تقسیم مسئولیت‌ها و وظایف منصفانه باشد این موضوع باعث عدالت بیشتر میان زوج‌ها می‌شود و از آنجایی که زن و شوهر احساس بیعدالتی در روابط‌شان نمی‌کنند لذا انگیزه آن‌ها برای حل مشکلات و از بین بردن تعارضات زناشویی افزایش می‌یابد. وقتی در خانواده‌ی اصلی شرایطی وجود دارد که در آن اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره‌ی گستره وسیعی از موضوعات و مشکلات بدون محدودیت زمانی شوند، به یک جهت‌گیری سازنده برای حل تعارض دست می‌یابند و از سبک حل تعارض غیر سازنده پرهیز می‌کنند. در این محیط نسبتاً آزاد، نه تنها افراد در معرض مسائل چالش برانگیز قرار می‌گیرند؛ بلکه تشویق به کشف باورهای جدید و تصمیم‌گیری بدون ترس برای حل مشکلاتشان می‌شوند (۳۱).

بر اساس نتایج مدل رگرسیونی، امکان تعمیم نتایج پژوهش حاضر و پیش‌بینی طلاق عاطفی به آن دسته از افراد جامعه آماری که در پژوهش حاضر حضور نداشتند نیز فراهم می‌شود. به طوری که با سنجش متغیرهای معنادار شده در مدل رگرسیونی و قراردادن آن‌ها در معادله فوق، امکان برآورد نمره طلاق عاطفی فراهم می‌شود. یافته‌های این پژوهش به لحاظ نظری و کاربردی می‌تواند مدنظر قرار داد. به لحاظ نظری، با توجه به فقدان مبانی نظری محکم، این پژوهش ضمن هموار کردن مسیر مطالعه درباره‌ی الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض در طلاق عاطفی، ضرورت کنکاش‌های بیشتر به منظور رسیدن به نتایج قابل تعمیم‌تر را در سایر گروه‌های جمعیتی برجسته می‌سازد. تلویحات کاربردی این پژوهش، یادآور این نکته است که حفظ روابط سالم زناشویی نیازمند توجه به نقش برخی از سازه‌ها از جمله الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض است و در نتیجه ارائه برنامه‌های آموزشی در این زمینه می‌تواند سودمند باشد. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش مربوط به همکاری مسئولین و حراست ادارات مختلف بود، به طوری که امکان انتخاب گروه نمونه پژوهش با مشکلاتی همراه بود. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش بر اساس مقیاس خودگزارش‌دهی بود، بنابراین محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به ابزار اندازه‌گیری می‌باشد؛ زیرا این گزارش‌ها به دلیل دفاع‌های ناخودآگاه و تعصب در پاسخ‌دهی مستعد تحریف هستند. با اتکا به نتایج به دست آمده می‌توان با تدوین و ارائه برنامه آموزشی به منظور آشنایی هر چه بیشتر افراد جامعه به الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض اقدام کرد. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش را می‌توان به عنوان رهنمودهایی در حوزه پیشگیری مورد استفاده قرار داد و از طریق مشاوره فردی و خانوادگی، نسبت به رفع الگوهای ارتباطی ناسازگارانه و سبک‌های حل تعارض غیرسازنده، کمک شایانی توجهی کرد. در نهایت، کاربرد نتایج این بررسی می‌تواند در ارائه خدمات زوج درمانگری به شیوه جلسات مشاوره خانوادگی به منظور برقراری روابط موثر واقع گردد و زوجین را در جهت مثبت و سازنده‌ای هدایت کند.

منابع

- 1- Fallahnejad, T., & Mollahoseiny, F. S. S. Relationship between Job Satisfaction and Marital Satisfaction among Nurses with Rotating Working Shift: A two year study conducted in Hospitals Affiliated with Alborz University of Medical Sciences. 2016, International Journal of Pharmaceutical Research and Allied Sciences, 5(3), 187-193.
- 2- Collins, J. D., & O'Sullivan, L. W. Musculoskeletal disorder prevalence and psychosocial risk exposures by age and gender in a cohort of office based employees in two academic institutions, 2015, International Journal of Industrial Ergonomics, 46, 85-97.
- 3- Shanbhag, D., & Joseph, B. Mental health status of female workers in private apparel manufacturing industry in Bangalore city, Karnataka, India. 2012, Int J Collab Res Internal Med Pub Health, 4, 1893-900.
- 4- Yu, W., Lao, X. Q., Pang, S., Zhou, J., Zhou, A., Zou, J., Yu, I. T. S. A survey of occupational health hazards among 7,610 female workers in China's electronics industry. 2013, Archives of environmental & occupational health, 68(4), 190-195.
- 5- Jalali, I., Ahadi, H., Kiyamanesh, AR. The Effectiveness of Family Training Based on Olson Approach for Family Adaptation and Cohesion. 2016, Journal of Methods and Models of Psychology, 7(24): 1-22.

- 6- Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M.. The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. 2011, *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1(2), 89-93.
- 7- Anthony, C. J., DiPerna, J. C., & Amato, P. R. Divorce, approaches to learning, and children's academic achievement: A longitudinal analysis of mediated and moderated effects. 2014, *Journal of school psychology*, 52(3), 249-261.
- 8- Barzoki, M. H., Tavakoll, M., & Burrage, H. Rational-Emotional 'Divorce in Iran. 2015, *Applied Research in Quality of Life*, 10(1), 107-122.
- 9- amadi-Fard, HR, Narimani M, Mikaeili N, Sheykholeslami A. The Role of Cognitive Avoidance Components and Metacognitive Belief in the Prediction of Spouses Emotional Divorce. 2016, *journal of counseling research*. 15 (59): 38-57.
- 10- Bastani, S., Golzari, M., Roushani, S. Causes and Intervening Conditions of Emotional Divorce: Examining Cases in a Tehran Consulting Center. 2010 *Jl of Social Problems of Iran*. 1(3): 1-20.
- 11- Zamani, S., Ahadi, H., Asgari, P., The relationship emotional divorce with body imaging and perfectionism. 2014, *Psychological studies*, 10 (4): 119-136.
- 12- Dokanehi-Fard, F., Abbasi, S., Soltantabar, M., Seddighi, F., Noroozi, A.. Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction among Married Students of Islamic Azad University South Tehran Branch. 2015, *J of Edu, Counselling and Psy*, 4(124): 72-86.
- 13- Fatehizadeh, M., Ahmadi, A., Investigating the Relationship Between Marriage Communication Patterns and Marital Satisfaction Rate of Spouses Employed in Isfahan University. 2005, *J Family Research*, 1(2): 109-119.
- 14- Nazari, AM., Taheri-Rad, M., Assadi, M.. The Effectiveness of Enhancement Program on Marital Adjustment. 2013, *J Family Counseling and Psychotherapy*, 3(4): 527-543.
- 15- Fletcher, G. J. O. The new science of intimate relationships. Malden, Massachusetts: Blackwell. 2002
- 16- Smith, L. M., Heaven, P. C. L., & Ciarrochi, J. Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction. 2008, *Personality and Individual Differences*, 44, 1314-1325.
- 17- Etemadi, O., Jaberi, S., Ahmadi, A.. Investigating the relationship between communicative skills, communicative patterns, conflict management styles and marital intimacy in Isfahanian women. 2014, *J Woman and Society*, 5(17): 63-74.
- 18- Karairmak, Ö., & Duran, N. O. Gender differences in attachment styles regarding conflict handling behaviors among Turkish late adolescents. 2008, *Int J Advancement of Counselling*, 30(4), 220-234.
- 19- Weisskirch, R. S., & Delevi, R.. Attachment style and conflict resolution skills predicting technology use in relationship dissolution. 2013, *Computers in Human Behavior*, 29 (6): 2530–2534.
- 20- Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. Middle-East, 2013, *J Scien Res*, 15(10), 1433-1439.
- 21- Somohano, V. C.. Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships (Doctoral dissertation, Humboldt State University). 2013
- 22- Haghighi, H., Zarei, H., Ghaderi, F. . Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. 2012, *J Family Counseling and Psychotherapy*, 1(3): 531-564.
- 23- Mosavi, F., Rezazadeh, MR., Investigating the role of attitude to love in prediction of emotional divorce of married women and men in Qazvin city. 1393. *J social and Psychological studies for women*, 12(3): 169-188.[in Persian]
- 24- Noller, P., & White, A. The Validity of Communication Patterns Questionnaire. 1990, *Psychological Assessment*, 1(2): 478 – 482.
- 25- Siavooshi, H., Navvabinezhad, Sh. Relationship between marital communication patterns and illogical belief among teachers of Malayer city. 2005, *J Counselling Research*, 4(1): 9-34.

-
- 26- Thanaggee, M., Janbozorgi, M., Mahdavian, AR.. Relationship between "Marital Satisfaction" and "Communication Patterns of Couples". 2011, *J Studies in Islam and Psychology*, 5(9): 57-77.
- 27- Carroll, S. J., Hill, E. J., Yorgason, J. B., Larson, J. H., & Sandberg, J. G.. Couple communication as a mediator between work-family conflict and marital satisfaction. 2013, *Contemporary Family Therapy*, 35(3), 530-545.
- 28- Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R. D., & Gangamma, R. . Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. 2014, *J sex & marital therapy*, 40(4), 275-293.
- 29- Christensen, A., & Shenk, J. L. Communication, conflict, and psychological distance in no distressed, clinic, and divorcing couples. 1991, *J consulting and clinical psychology*, 59(3), 458.
- 30- Majidaei, M.. Investigating the role of mediator of communication patterns in the relationship between happiness and sexual intimacy with marital satisfaction of nurses. Master's thesis of family counseling, 2017, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University of Tehran.
- 31- Hosseini, M., Yektaei, A., Nazari, MA., Shakarami, M.. Studying the Mediating Role of Non-Constructive Conflict Resolution Style in Relation with the Family of origin's Health and Marital Equity. 2015, *J Woman and Society*, 6(2): 101-108.
- 32- Bayrami M, Babapour Khirodin J, Hashemi Nosrar abad T, Esmali E, Bahadori Khosroshahi J.. Prediction of marital satisfaction on the basis of components of emotional intelligence and conflict resolution styles. 2013, *J Qazvin Univ Med Sci*, 17 (3) :20-27.
- 33- Khojasteh Mehr, R., Koochaki, R., Rajabi, GR,.. Mediating role of relationship attributions and destructive conflict resolution strategies on the relationship between attachment styles and marital quality. 2012, *Journal of Contemporary Psychology*, 7(2): 3-14.
- 34- Rahim, M. A. A measure of styles of handling interpersonal conflict. 1983, *Academy of Management journal*, 26(2), 368-376.
- 35- Karimi, P., Karami, J., Dehghan, F. (2014). Relationship between Attachment Styles and Conflict Resolution Styles and Married Employee's Marital Burnout. 2014, *J Woman and Society*, 5(20): 53-70.